



آیا شکنجه در ایران بعد از جمهوری اسلامی هم وجود خواهد داشت؟

تلاش برای تشکیل بنیادی برای کمک به قربانیان شکنجه در ایران

به مناسبت 26 یونی روز جهانی پشتیبانی از قربانیان شکنجه!

مجازات که فقط قتل نفس از آن بدتر است

- شکنجه، که در جمهوری اسلامی نوع قانونی آن تعزیر نامیده می شود و نیز هر نوع دیگر آن، بعد از قتل نفس، شنیع ترین عملی است که یک انسان در حق دیگری می تواند انجام دهد. این پدیده مانند بسیاری از پدیده های مذموم دیگر، همچون مجازات اعدام*، در دوران حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی گسترش کمی و کیفی یافته، و پیوسته از جانب حاکمیت به عنوان عملی با توجیه مذهبی و "به ناچار لازم" معرفی شده است.

نه فقط در زندان و نه فقط در رابطه با زندانیان سیاسی

- استفاده از شکنجه های جسمی و روانی در جمهوری اسلامی، چه در داخل و چه در خارج از زندانها، چه در رابطه با زندانیان سیاسی و چه غیر سیاسی، تنها به عنوان وسیله ای برای مجازات به کار نمی رود، بلکه از آن به عنوان ابزاری برای تخلیه هویتی و تغییر شخصیتی افراد و کسب اقرار برای درس عبرت دادن به جامعه و توجیه قانونی اعمال خود استفاده شده و می شود.

شروع شکنجه لحظه بسته شدن به تخت شلاق نیست

- لحظه شروع واقعی شکنجه برای یک دگر اندیش در ایران امروز**، لحظه ایست که او به لحاظ فکری و نظری به تفکر و نقطه ای به جز تفکر و نظر حکومت، و نه حتی الزاما نقطه مقابل آن می رسد، و منطقا به عواقب آن می اندیشد! و شروع به زیستن در ترس و با ترس می کند.

شکنجه گری به عنوان یک شغل

- با وجودی که شکنجه گری در فرهنگ عامه مردم ایران به عنوان عملی مذموم و نفرت انگیز شناخته می شود، در سالهای حکومت جمهوری اسلامی، آن به علت تفکر حاکم و نیاز روزافزون حکومت، عملا تبدیل به یک حرفه رسمی شده و در کنار بازرجویان وزارت اطلاعات که بسیاری از آنان به تدریج خود در شکنجه گری مهارت یافته اند، تعداد بسیاری نیز برای کتک زدن، شلاق زدن، کشیدن ناخن، قطع انگشتان دست و پا، سنگسار و غیر رسما آموزش می ببینند. شکنجه گران حتی برای شکنجه در ساعات غیر اداری اضافه حقوق و پاداش دریافت می کنند.

شکنجه در ایران امروز عملی است مطابق قانون و شرع

- برای خنثی کردن اصل ممنوعیت شکنجه در قانون اساسی، جمهوری اسلامی با تغییر نام شکنجه به تعزیر، به شکنجه بر طبق قوانین شرعی قانونیت بخشیده است. در همین رابطه در دوره قبلی مجلس شورای اسلامی شورای نگهبان لایحه تصویب شده در مورد محدودیت شکنجه را به علت مغایرت با قوانین شرع رد کرد. در این حکومت، شکنجه و تعزیر، بر خلاف سیستم های حکومتی دموکراتیک و مبتنی بر حقوق بشر، امری اتفاقی و پنهانی نیست، که بتوان بر علیه آن برخورد قانونی کرد نیست، بلکه امری است کاملا دولتی و سازمان داده شده و در اکثر قریب به اتفاق منطبق بر قوانین حاکم بر ایران، که "ابتکارات بازجو- شکنجه گر" نیز در شکل اجرای آن موثر است.

چند مقایسه قانونی

- اگر در آلمان رئیس پلیس شهر فرانکفورت، که برای نجات جان یک کودک ربوده شده، آدم ربا را تهدید به شکنجه می کند، بر طبق قوانین و به خاطر این تهدید از کار برکنار شد و اگر در آمریکا در اثر فشار افکار عمومی، افسران و سربازانی که در جنگ اسیران عراقی را شکنجه کرده بودند، محاکمه و زندانی می شوند، اما در جمهوری اسلامی ایران با وجود حضور هزاران زندانی سیاسی و غیر سیاسی که شکنجه گر خود را می شناسند، نه تنها یک نمونه هم از محاکمه آنان وجود ندارد، بلکه فردی مانند سعید مرتضوی، دادستان انقلاب تهران و متهم به قتل و شکنجه زندانیان سیاسی و عامل تعطیل فله ای روزنامه ها را به عنوان نماینده خود به اجلاس شورا حقوق بشر می فرستد***.



فقط خود زندانیان، قربانیان شکنجه نیستند

- ندادن ملاقات به اعضای خانواده زندانیان سیاسی، عدم اطلاع رسانی به آنها، ترساندن ملاقات کننده برای گرفتن اقرار کتبی در مورد سلامت زندانی، تهدید و ارباب ملاقات کنندگان برای ممانعت از اطلاع رسانی در مورد وضعیت زندانی، به گروگان گرفته شدن و یا دستگیر کردن اعضای خانواده های متهمین سیاسی از جمله زنان و کودکان آنها، از موارد شکنجه های روحی و روانی است که در جمهوری اسلامی رایج بوده و بر این گروه آسیبهایی روحی روانی جبران ناپذیری را وارد می کند.

قربانیان آشکار و پنهان

- از میان قربانیان اعمال شکنجه در 27 سال اخیر، در حله اول زندانیان سیاسی هستند، که گاه سخن گفته اند و با وجود سخن گفتن، هنوز هم بسیار کم از خود گفته اند و با این وجود هنوز هم کم به "کم گفته های" تا به امروز آنان و آسیبهایی که دیده اند عمیقاً توجه کرده ایم. امروز و این مناسبت، فرصتی است که دست کم به این کمبود اعتراف کرده و در رفع آن بکوشیم.
- در کنار این گروه، میلیونها تن از مردم عادی و بویژه کودکان و نوجوانان، که در طی این 27 سال مرتب شاهد اجرای علنی شکنجه های رسمی در ملا عام، نظیر شلاق و سنگسار در میادین شهرها بوده اند، از جمله قربانیان خاموش این اعمال علنی شکنجه ها هستند.

بستر اجتماعی

- با وجود افشاگری های بسیار از سوی زندانیان سیاسی ایران در داخل و خارج از کشور**** و مضموم بودن شکنجه در نزد مردم، هنوز نشانه های یک ابراز تنفر شدید و وسیع و علنی از اعمال شکنجه در رابطه با متهمان و مجرمان، از طرف اکثریت مردم دیده نمی شود و یا هنوز مجال بروز نیافته است. در صحنه های شکنجه عمومی در ملا عام، هر چند کسانی که با انتخاب قبلی و آگاهانه به تماشاگران این صحنه ها می پیوندند، اکثریت بزرگی را تشکیل نمی دهند، ولی در همان ابعاد کم و در کنار سکوت اکثریتی خاموش بستری است که به قدرت حاکم بر ایران، امکان ادامه چنین اعمالی را و تبدیل آن را به نمایش خیابانی میدهد.

آینده بدون شکنجه و شکنجه گر

- با توجه به تجربه تلخ جمهوری اسلامی، با توجه به بستر موجود، تلاش ما باید رسیدن به وضعیتی، وضعیتی ایده آل، باشد که حتی در صورتی که بار دیگر حکومتگرانی در آینده برای بقای خود و یا اجرای پروژه های خود در صدد اعمال مجدد شکنجه باشند، حتی یک نفر را برای اجرای دستور شکنجه نیابند! آرزویبست بزرگ و به بزرگی فاجعه ای که ما با آن روبرویم!

ضرورت تشکیل بنیاد حمایت از قربانیان شکنجه در ایران

- از این رو ادامه و تشدید فعالیت روشنگرانه در این زمینه از سوی همه کسانی که آرزو دارند که جمهوری اسلامی آخرین حکومتی باشد که در ایران شکنجه در آن اعمال می شود باشد، امری ضروری است. در این راستا جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران، از تمامی نیروهای آزادیخواه ایران که آزادی را فقط برای خود نمی خواهند و مخالف شکنجه و اعدام هستند، دعوت می کند که در یک تلاش اقدام به تأسیس "بنیاد دفاع و حمایت از قربانیان شکنجه در ایران" نمایند. جمعیت ما به این مناسبت طرحی برای تأسیس چنین بنیادی را در دست دارد و از همه علاقه مندان می خواهد که در این راستا با ما تماس بگیرند.

جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران کلن

25 یونی 2006 / 4 تیر 1385

*- جمهوری اسلامی در سال 2005، از لحاظ تعداد مطلق احکام اعدام اجرا شده (رسمی و اعلام شده) در جهان رتبه دوم و از نظر نسبی رتبه اول را به دست آورد. به گزارش خبرگزاری فرانسه در سال 2006 تا کنون حداقل 67 تن اعدام شده اند و حداقل 4 تن از این تعداد، حجت زمانی، اسماعیل محمدی، علی غفراوی و حسن نواصری زندانی سیاسی بوده اند. هم اکنون 9 تن در خوزستان به اتهامات سیاسی زندانی بوده و در خطر فوری اعدام قرار دارند. در حالیکه حکم اعدام در کشورهای همسایه ما نظیر ترکیه و تاجیکستان حکم اعدام لغو شده است، کشور فیلی پین هم در تاریخ 24 یونی به مجموعه کشورهایی پیوست که لغو حکم اعدام را تصویب کرد.

جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن

Postfach 900423, D-51114 Köln

Fax: 0049-221-17099009

Jdef_zendanian_siassi_iran@yahoo.com

25.06.2006 4.04.1385



****** - صدها زندانی سیاسی نظیر روزنامه نگار دربند امیر حسین موحدی که در مشکین شهر در حال اعتصاب غذا است، رسول مصطفی نیا در کردستان، رامین جهاننگلو فیلسوف ایرانی کانادایی و منصور اسانلو سندیکالیست در تهران، کماکان در زندانند. در کنار گسترش موج دستگیریها، دو روز پیش آقای اسماعیل جمشیدی نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران دستگیر شد.

******* - سعید مرتضوی کسی است که در سال 2001 بخاطر جنایاتش از جمله رهبری دستگیریهای غیر قانونی، شکنجه و ارباب زندانیان، اجبار آنان به اعترافات دروغین، گزارشگر ویژه سازمان ملل (موریس کاپیتورن) خواهان محاکمه او در دادگاه قضات شده بود. در پی این درخواست سعید مرتضوی نه تنها مجازات نشده و برکنار نمی شود، بلکه ارتقا مقام می یابد. و باز سعید مرتضوی است که متهم به قتل خبرنگار عکاس خانم زهرا زیبا کاظمی در یونی 2003 میباشد و این بار به عنوان نماینده جمهوری اسلامی به اجلاس افتتاحیه شورای حقوق بشر سازمان ملل فرستاده می شود. اما در اثر تلاش مدافعین حقوق بشر و اعتراضات بین المللی، سعید مرتضوی موفق به حضور در اجلاس نشد و مجبور شد که به حالتی فرار گونه مخفیانه به ایران بازگردد

******** از شجاعانه ترین نمونه ها در این زمینه در دوران اخیر می توان به افشاگری صریح و موثر خانم رویا طلوعی زندانی سیاسی کرد ایرانی نام برد که به افشای نام و عملکرد بازجوی خود، امیری معاون دادستان انقلاب سندانج اقدام کرد.